



## مصاحبه دوم مجله بین المللی شپیگل (Der Spiegel) با والا حضرت آقا خان چهارم، پیشوای روحانی (امام) مسلمانان شیعه اسماعیلی

تاریخ مصاحبه: 12 اکتوبر 2006

مکان: برلین، جرمنی

مصاحبه کنندگان: شتینفان اوست (Stefan Aust) و اریش فولات (Erich Follath)

بر گردان به دري: نوروز علی ثابتی، تاریخ 03 نوامبر 2016.

**شپیگل** (Spiegel) در آلمانی به معنای «آیین» و «بازتاب دهنده» است، و نام یک مجله خبری است که در سال 1946 بنیان گذاری شد و از سال 1965 به این طرف در شهر هامبورگ آلمان نشرات دارد.

**کریم آقا خان چهارم**، از اعیان حضرت محمد (ص) و رهبر روحانی (امام) 20 میلیون مسلمان [شیعه] اسماعیلی، در مورد اساسات دین اش، مجادله بر سر اظهارات اخیر پاپ در مورد اسلام، و شیوه های جلوگیری از یک برخورد جهانی میان ادیان، بحث و گفتگومی کند.

### بخش اول مصاحبه: اسلام یک دین عقلانی است.

**شپیگل**: والا حضرت، پاپ بندیکت شانزدهم (Benedict XVI) در یک خطابه (لکچر) به نقل از مانول (Manuel)، امپراتور قرن چهاردهم [امپراتوری بیزانس]، چنین اظهار نمود: «فقط به من نشان دهید که محمد چه چیز تازه ای را پدید آورده، و در آنجا شما فقط چیزهای شرّ و غیر انسانی خواهید یافت، مانند دستور اشاعه دین توسط شمشیر را که او تبلیغ کرد.» این نقل قول از [امپراتور] قرن چهاردهم باعث غوغای بزرگ در جهان اسلام گردید. چرا؟ و عکس العمل شما چه بود؟

**آقا خان:** به نظر من، می خواهم سخنم را با این آغاز نمایم که، من در مورد آن بیانیه نگران شدم. زیرا که، آن سبب ناخرسندی های زیادی در جهان اسلام گردید. به نظر میرسد که در جهت انحطاط ارتباطات میان ادیان، سوء تفاهم بیشتری در شتاب است. من فکر می کنم، ما همه باید تلاش نمایم که به بدتر شدن وضعیت [از آنچه که هست] چیزی نیفزاییم.

**شپیگل:** بندیگت شانزدهم خود را صریحاً از بیانیه نقل قول امپراتور بر کنار کشیده است. موقف خود پاپ با در نظر داشت خطابه اش این است که او میخواست باب گفتگو را ترغیب کند؛ و از آن زمان به بعد، چندین مراتب احترام خود را نسبت به دین جهانی که عبارت از اسلام است، ابراز داشته است. آیا این فقط گزینش کلمات نامناسب بود و یا قصداً (بیانیه او) به سوء تفاهم کشیده شد؟

**آقا خان:** من میل ندارم که در این مورد قضاوت کنم و قضاوت هم کرده نمی توانم. و برای من غیر معقول هم به نظر میرسد که گمان کنم که منظور او آنچه که بوده، آنرا میدانم. اما، نظر به معلومات من، آن دوره از تاریخ (در قرون وسطی)، یکی از [دوره های] استثنایی و تبادلات و مناظرات کلامی بین امپراتوری بیزانس و جهان اسلام بود. [و آن] یک زمان جذاب [در تاریخ است]. اما، سخن امپراتور آنرا بازتاب نمی دهد، بناءً، من فکر می کنم آن چیزی است که خارج از زمینه [تاریخی روایت شده] است.

**شپیگل:** موضوع سخنرانی ی پاپ بندیگت، متفاوت بود، آن یکی از موضوعات مورد علاقه او بود یعنی پیوند میان دین و عقل – او گفت که، آن تلویحاً مفهوم رد هر گونه پیوند میان دین و خشونت را میرساند. آیا این چیزی است که شما می توانید با آن موافقت داشته باشید؟

**آقا خان:** اگر شما سخن او را در مورد دین و عقل تفسیر کنید، پس فکر می کنم که بحث بسیار جالب بوده و می تواند بین جهان اسلام و جهان غیر اسلام بطور فوق العاده سازنده باشد. پس من نسبت به سخنان پاپ دو واکنش دارم:

[نخست]، نگرانی ی من در مورد از بین رفتن ارتباطات [میان جهان اسلام و جهان غیر اسلام] است و [دوم]، در عین زمان، من یک فرصت را می بینم، فرصت صحبت کردن راجع به یک مسئله جدی و مهم: پیوند میان دین و منطق.

**شپیگل:** اگر پاپ شما را دعوت میکرد تا با سایر رهبران مذهبی، در یک مناظره در باره دین، عقل [و منطق] و خشونت شرکت کنید، آیا شما [فراخوان او را] اجابت می کردید؟

**آقا خان:** بلی، حتماً، ولی مطلب اصلی را می خواهم بیان کنم که یک بحث جامع (و یا وحدت گرایانه ی [دنیای کلیسایی] در یک مرحله مشخص با محدودیت های مشخص، رو برو خواهد شد. بنا براین، من ترجیح میدهم که بیشتر در زمینه اخلاق جهان- وطنی (کازموپولیتن) صحبت شود که در آن تمام ادیان بزرگ روی زمین، ریشه دارند.

**شپیگل:** آیا اسلام با عقل [و منطق] مشکل دارد؟

**آقا خان:** ابدأ نه. در حقیقت، من بر خلاف این خواهم گفت. از میان ادیان ابراهیمی<sup>1</sup>، اسلام شاید یگانه دینی است که بزرگترین تأکید بر [کسب] دانش دارد. مقصد از آن اینست که آفرینش خدا درک شود، و بنابر این، این دینی است که به نحو قابل توجهی منطقی می باشد. اسلام یک دین عقلانی است.

**شپیگل:** پس ریشه ی علل دهشت افگنی (تروریزم) در چه می باشند؟

**آقا خان:** [سه چیز است که دهشت افگنی در آن ریشه دارد]:

کشمکش های سیاسی حل نشده، محرومیت (نا امیدی و یا سرخوردگی)، و بالا تر از همه، جهالت.

چیزیکه آن خارج از یک کشمکش کلامی، بوجود آمد.

**شپیگل:** منظور شما از کدام کشمکش های سیاسی است؟

**آقا خان:** طور مثال، آنهایی که در خاور میانه<sup>2</sup> و در کشمیر<sup>3</sup> هستند. این کشمکش ها برای ده ها سال لاینحل باقی مانده اند. یک فقدان فوریت در فهمیدن آن وجود دارد که وضعیت در آنجا بد تر می شود، [و] آن شبیه [مرض] سرطان است. اگر شما بر علیه مرض سرطان در مرحله آغازین آن بموقع اقدام نکنید، سر انجام خسارات مهلکی را بمیان خواهد آورد. این می تواند یک لانه پرورش برای دهشت افگنی شود.

و حالا در مورد گسترش دین توسط شمشیر [برای شما می گویم]: تمام ادیان، در برخی از مقطع تاریخ شان، غرض حفظ خود شان و یا بخاطر گسترش نفوذ شان، از نبرد استفاده نموده اند، و شرایطی هم وجود داشته که زمانی از ادیان بخاطر توجیهات برای اقدامات نظامی، استفاده شده است. اما اسلام دعوت به جنگ نمی کند، اسلام دین صلح می باشد.

**شپیگل:** این واقعیت است که جنایات هولناکی بنام [دین] مسیحیت اتفاق افتاده اند، برای مثال توسط صلیبی ها. و آن خیلی وقت پیش بود، و آن [مال] گذشته است. اما جهادی ها، همین اکنون در عصر ما مرتکب جنایات شان می شوند.

**آقا خان:** چندان دیر در گذشته نبوده که ما شاهد جنگ های خونینی در جهان مسیحیت بوده ایم. در ایرلند شمالی نگاه کنید. اگر ما مسلمانان، وقایعی ای که در آنجا رخ داده اند، به عنوان یک مظهر حقیقی مذهب پروتستان و یا مذهب کاتولیک و یا حتی به عنوان جوهر دین مسیحیت تفسیر کنیم، شما به سادگی خواهید گفت که: ما نمی دانیم در باره چه حرف می زنیم.

**شپیگل:** پروفیسور ساموئل هانتینگتون (Samuel Huntington)، در کتاب مشهور اش بنام «برخورد تمدن ها» نوشت که: «غرب در مقابل سایرین خواهد ایستاد». آیا اینگونه یک کشمکش، اینگونه یک برخورد اجتناب ناپذیر است؟

<sup>1</sup> ادیان ابراهیمی عبارتند از یهودیت، نصرانیت، و اسلام، و یا پیروان موسی کلیم الله، عیسی روح الله، و محمد رسول الله اند - مترجم.

<sup>2</sup> بین اسرائیل و فلسطین

<sup>3</sup> بین هند و پاکستان

**آقا خان:** من ترجیح میدهم که در مورد یک برخورد جهالت صحبت کنیم. [یک] جهالت هولناک، زیان بار، و پر خطر وجود دارد.

**شپیگل:** کدام جانب مسئول است؟

**آقا خان:** هر دو طرف، ولی اساساً جهان غرب [مسئول است]. شما فکر کنید که یک شخص تحصیل کرده در قرن بیست و یکم، چیزی در مورد اسلام باید بداند؛ اما، [اگر شما] در نظام تعلیم و تربیه در جهان غرب نگاه کنید، مشاهده خواهید کرد که تمدن اسلامی در آن غایب است. در مورد اسلام چه تدریس می شود؟ تا جایی که من میدانم، هیچ چیز. پیش از انقلاب اسلامی ایران، در باره تشیع چه چیزی دانسته میشد؟ قبل از قیام طالبان، در مورد مذهب تند رو و هابیت چه چیزی دانسته میشد؟ ما بخاطر فایق آمدن بر این [مشکل]، به یک تلاش بزرگ تعلیم و تربیه نیاز داریم. بجای اینکه بر سر یکدیگر فریاد بکشیم، باید گوش دادن [به یکدیگر] را بیاموزیم. با کار کردن یکجایی، با مصالحه (گفت و شنود) دو جانبه، به شیوه ای که ما آنرا [در گذشته] انجام دادیم. ما باهم بعضی از دست آورد های والایی را از تمدن بشری پدید آورده ایم. چیزهای زیادی وجود دارند که به آنها اعتماد کنیم. اما فکر می کنم که شما نمی توانید بر جهالت تکیه کنید.

**شپیگل:** با وجود این، این نکته ی قابل توجهی است که تعداد زیادی از حکومت ها که اکثریت آنها اسلامی هستند، در میان عقب مانده ترین و غیر دیموکراتیک ترین حکومت ها در جهان به شمار میروند. آیا [دین] اسلام به یک عصر روشنگری نیاز دارد؟ قسمی که دیگران ادعا می کنند، آیا [این] دین، حتی با دیموکراسی نا سازگار است؟

**آقا خان:** طوریکه پیشتر هم گفتم که یک شخص باید منصف باشد. بعضی از رهبران سیاسی مشکلاتی را به ارث برده اند که به هیچ وجه [آنها] از دین نشئت نگرفته اند. راه حل های حکومت داری ی نوین باید آزمایش گردند و در طی زمان اعتبار قانونی برای آنها داده شود. و نه من به این باور هستم که حکومت های اسلامی از نقطه نظر نظام اقتصادی ی شان ضعیف عمل می کنند. بعضی از نظام های اقتصادی در حال رشد سریع و برخی از موفق ترین کشور های جدید صنعتی، در جهان اسلام قرار دارند.

اما در باره دیموکراسی: باور های دیموکراتیک من به اندیشمندان یونانی و فرانسوی نه، بلکه به قدامت 1400 سال بر می گردند. و اینها پرنسیپ ها (اصول) زیر بنایی ی دین من هستند. در زمان حیات پیامبر اسلام (ص) یک روند سیستماتیک مشورتی سیاسی وجود داشت، و نخستین امام شیعیان، پسر کاکا و داماد پیامبر، حضرت علی (ع) تأکید داشت که: «هیچ افتخاری چون دانش نیست، هیچ قدرتی چون بردباری نیست، و هیچ پشتوانه ای با اعتماد تر چون مشورت نیست».

## بخش دوم مصاحبه: چه چیزی دیموکراسی (مردم سالاری) را ناکام می سازد؟

**شپیگل:** اگر پلورالیزم (اصول کثرت گرایی)، جامعه مدنی، و اسلام، طوریکه در گذشته به ثبوت رسیده، می توانند بطور هماهنگ با هم زیست کنند، پس چرا در این روزها دست آورد خیلی کم دارند؟

**آقا خان:** من فکر می کنم که ما یک وضعیت بسیار متنوع در جهان اسلام داریم – کشور های ثروتمند با منابع سرشار، کشور های صنعتی ی نوین، و کشور های خیلی فقیر.

**شپیگل:** اکثریت این کشورها، دیموکراسی را در عمل پیاده نمی کنند؟

**آقا خان:** مردم راجع به حکومت های ناکام صحبت می کنند. من فکر نمی کنم که حکومت ها ناکام می شوند، اما دیموکراسی ها یقیناً ناکام می مانند. ناکامی ی دیموکراسی مختص به کشور های اسلامی نیست. در واقع، دو سال پیش سازمان ملل متحد یک سروی ی تحلیلی بسیار دقیق را در امریکای جنوبی انجام داد. در حدود 55 درصد از جمعیت کشور های امریکای جنوبی اظهار داشتند که ایشان به جای دیموکراسی ی نا مستعد و یا فاسد که وضعیت زندگی ی آنها را بهبود نبخشد، ترجیح میدهند که تحت [یک حکومت] دیکتاتوری ی پدر سالار زندگی کنند.

**شپیگل:** بیشتر از پیروان اسماعیلی شما در کشور هایی زندگی می کنند که در آنجا دیموکراسی بطور کامل تحقق نیافته است: [مثلاً در] پاکستان، افغانستان، سوریه، و ایران. چه چیزی باعث ناکامی ی دیموکراسی می شود؟

**آقا خان:** من هر روز از خودم می پرسم که برای پایدار ماندن صورت های متعدّد دیموکراسی چه کاری می توانیم انجام بدهیم تا اینکه، اینگونه دولت ها مؤثر واقع شوند، چه آن در امریکای لاتین، چه در افریقا، و چه در خاور میانه باشد.

**شپیگل:** و به باور شما، پاسخ [به این مسئله] چه است؟

**آقا خان:** من اذعان می کنم که من در یک وضعیت سرخوردگی بسر می برم. در آن ساحاتی از جهان در بین جمعیتی که اصلاً قادر به خواندن و نوشتن نمی باشند، انجام رفرا ندوم (پرسش همگانی) چه مفهومی دارد؟ برای جمعیتی که فرق بین نظام ریاست جمهوری و یا نظام شاهی ی مشروطه را نداند، به آزمایش گرفتن قانون اساسی چه معنی دارد؟ انتخابات، قانون های اساسی – همه اینها ضروری هستند، اما بسنده نیستند. من فکر می کنم، ما باید بپذیریم که کشور ها، تاریخ های متفاوت، ساختار های اجتماعی متفاوت، و نیازمندی های متفاوت دارند. پس ما باید بیشتر انعطاف پذیر تر نسبت به آنچه که بوده ایم، باشیم.

**شپیگل:** ونه دیموکراسی ها بصورت یکپارچه هستند. مُدل دیموکراسی امریکایی، نوشدارو برای بقیّه جهان نیست. آیا جورج دبلیو بوش با طریقه خاص خودش، دیموکراسی را در خاور میانه بد تر کرده است؟ آیا هنوز هم ایالات متحده [امریکا] می تواند برنده جنگ در عراق باشد؟

**آقا خان:** من در مورد عراق خیلی نگران هستم. یورش به عراق در سراسر جهان تأثیری گذاشت که در دوره معاصر بی پیشینه بوده است. [این] یورش هر نیرو را در جهان اسلام آشفتنه ساخته است، بشمول روابط میان عرب ها و غیر عرب ها، و رابطه میان شیعه و سنی را.

**شپیگل:** آیا منظور تان اینست که این جنگ یک پایگاه جدید دهشت افگنی و مردم تندرو را به وجود آورد؟

**آقا خان:** دقیقاً، این [جنگ] مردم زیادی را در سراسر جهان اسلام بسیج کرده است که آنها پیش از این اصلاً [در جنگ] دخیل نبودند و در واقع، فکر می کنم اصلاً نمی خواستند که دخیل باشند.

**شپیگل:** آیا شما با ولی نصر (Vali Nasr)، پروفیسور امریکایی و متخصص اسلام هم نظر هستید [او می گوید] که توازن قدرت در جهان اسلام در حال دگرگونی قطعی است، که شیعیان از بغداد گرفته تا بیروت می توانند پر نفوذترین قدرت شوند، و آینده خاور میانه توسط جنگ ها، میان فرقه های متفاوت مسلمان شکل خواهد گرفت؟

**آقا خان:** زمانی که یورش به عراق صورت گرفت، برای ما دو چیز گفته شد: رژیم تغییر خواهد کرد و دیموکراسی [پیدا خواهد شد]. خوب، کسانی که ایشان وضعیت عراق را دانستند، طوریکه شما دانستید و من دانستم، اما مفهوم آن چه بود؟ آن مفهوم اکثریت شیعه را میسراند؛ و معنی دیگری را نمی تواند داشته باشد. هر کس که او بعداً نتیجه گیری می کند که مسئله بعدی یک شیعه اکثریت در عراق است که در مورد آن فکر خواهد شد. آن در منطقه چه معنی را می رساند، آن در جهان اسلامی چه مفهوم دارد، و آن در پیوند با غرب چه مفهومی میسراند؟ همه این موارد چون روز روشن واضح بود، لازم نبود که کسی مسلمان و یا دانشمند غربی باشد و این [مسئله] را بداند.

**شپیگل:** به نظر شما، آیا این جهالت محض و خامی (ساده لوحی) بود که دولت بوش را وادار به جنگ کرد؟ آیا واقعاً جنگ بخاطر معرفی نمودن [نظام] دیموکراسی بود و یا یک تصمیم راهبردی در باره تصرف میدان های نفتی و پایگاه های نظامی بود؟

**آقا خان:** ای کاش به این سوال، پاسخ ارائه کرده می توانستم.

**شپیگل:** آیا شما با رهبران مذهبی در عراق، مانند آیت الله سیستانی در تماس هستید؟ و با رهبران مذهبی ایران هم؟

**آقا خان:** ما با شخصیت های برجسته در هر دو کشور بار ها در تماس بوده ایم.

**شپیگل:** چه قدر وقت لازم است تا شما را وا دارد تا در منطقه بحیث میانجی بروید؟

**آقا خان:** این الان در اولویت [کاری ی] من نیست. یک روز شاید [باشد]، ما ممکن است که در تلاش بازسازی [آن] شرکت کنیم.

**شپیگل:** زمانی که حمله به عراق را با حمله به افغانستان مقایسه میکنید، که در آنجا طالبان و القاعده باهم کار می کردند....

**آقا خان:**.... در آنجا من یک تصویر کاملاً متفاوتی را می بینم، نخست از همه، مردم از نظام افغانی در آن وقت ظاهراً به کلی متنفر بودند؛ آن [رژیم] بطور مساویانه برای سنی ها و شیعه ها ناپسند بود، و من فکر می کنم که آن فقط بر حسب زندگی مدنی فراگیر، به کلی غیر قابل قبول بود.

**شپیگل:** افغانستان در حال حاضر با مشکلات بزرگ دست و پنجه نرم می کند و وضعیت هر لحظه وخیم می شود. چه چیزی خراب از آب بر آمد؟ و چه کاری را غرب کرده می تواند تا وضعیت را با ثبات تر سازد؟

**آقا خان:** وضعیت امنیتی واقعاً بسیار نگران کننده است – آن بد تر شده می رود، بویژه در سمت جنوب. بیشتر از پروژه های ما در پایتخت و در شمال هستند که در آنجا وضعیت خوبتر است اما قناعت بخش نیست. ما می توانیم برق را از تاجیکستان وارد کنیم، ما می توانیم خدمات مدنی را تأمین کنیم. ما کوشش می کنیم تا از خطری اجتناب کنیم که ساحات معینی در افغانستان سریع تر نسبت به دیگر [ساحات] باز سازی خواهند شد. اگر این انکشاف با تقسیمات قومی، روی هم قرار گیرد، شما یک مشکل دیگری خواهید داشت. اما مشکل عمده اینست که بیشتر مردم در افغانستان بهبودی بی را در زندگی روز مره شان ندیده اند. روند باز سازی به نظر نمی رسد که مؤثر باشد. ما موفق نشدیم تا یک فرهنگ امید واری را به این کشور بیاوریم. بعد از نیم قرن فعالیت در جهان در حال انکشاف، یکی از درس های محوری ای که من آموختم، اینست که جایگزینی امید واری بجای بیم احتمالاً قوی ترین سکوی پرتاب (ترامپولین) در پیشرفت است.

**شپیگل:** رئیس جمهور کرزی یک دوست شخصی شما است. بسیاری از مردم او را به عنوان یک رهبر ضعیف می بینند، و برخی او را «شهر دار کابل» می نامند، زیرا که او قادر نیست تا بر بخش های بزرگ کشور مدیریت داشته باشد.

**آقا خان:** ما باید هر چیزی را انجام دهیم تا او را کمک کنیم. او آجدای پیچیده ی بزرگی دارد تا به آنها بپردازد. او بهترین امید ما است، و بر علاوه این، او یک رهبر انتخابی است و ما باید همراهی پارلمان (ولسی جرگه) کار کنیم.

**شپیگل:** حتی اگر جنگ سالاران و اعضای پیشین طالبان در پارلمان افغانستان نمایندگی کنند؟

**آقا خان:** شما خواه نتایج دیموکراسی را بپذیرید و خواه نپذیرید. در غیر اینصورت شما در مورد دیموکراسی واجد شرایط صحبت می کنید.

**شپیگل:** آن به این معناست که غرب باید با [حزب] تندرو اسلامی حماس هم، رابطه بر قرار کند؟

**آقا خان:** شما باید با کسانی که [آنها را] جمعیت انتخاب می کند، کار کنید تا زمانی که آنها مایل باشند آنچه که ما آنرا بنام اخلاق جهان- وطنی یاد می کنیم، احترام داشته باشند. اکنون، این درست است که حماس یک پیشینه کشمکش دارد ....

**شپیگل:** [پیشینه ای] از ترور آشکارا ...

**آقا خان:** ... اما فقط این زمانی نخواهد بود که جنبش‌هایی که اینگونه پیشینه دارند به پارلمان راه می‌یابند، و حتی بعدتر هم، متصدی [امور] دولت می‌شوند. طور مثال، آیا می‌توانم از جومو کِنیاتا<sup>4</sup> و جنبش مائو مائو<sup>5</sup> در کنیا، و یا از کنگره ملی افریقایی<sup>6</sup> (ANC) در افریقای جنوبی برای شما خاطر نشان سازم؟ عوامل افراط‌گرایی را کنار بگذارید و افراط‌گرایان می‌توانند با یک آجندای توجیه‌پذیر تر بر می‌گردند. آن تغییر برای من یکی از چیزهای شگرف در مورد تبار انسان می‌باشد.

**شیپگل:** شما رئیس‌جمهور سوریه، بشار اسد، را خوب میدانید. شما اخیراً دوباره او را در دمشق ملاقات کردید. بر خلاف اداره ایالات متحده، دولت آلمان کوشش می‌کند تا او را در روند صلح خاور میانه دخیل سازد؟

**آقا خان:** من میل دارم که از دولت آلمان و دیگران در اروپا تقدیر بعمل آورم که آنها تصمیم گرفته‌اند تا رئیس‌جمهور اسد را دعوت کنند تا یک همکار در روند صلح باشد. روند تغییر از سیاست جهت‌دار چندین دهه، چیزی است که به وقت نیاز دارد، قسمی که شما در آلمان شرقی دیدید. من فکر می‌کنم دلایل زیادی وجود دارند تا ما این مسیر را طی نموده و برای سوریه در قسمت دوره گذار آن از گذشته به آینده، یاری رسانیم.

**شیپگل:** اگر شما به گذشته سالهایی که بعد از جنگ جهانی دوم سپری گردیدند، نگاه بکنید، به جنگ سرد میان شرق و غرب نگاه بکنید و به جنگ ایدیولوژی با کمونیسم را نگاه بکنید، آیا کدام وقتی به فکر شما خطور کرده که این جنگ‌ها، به جنگ میان غرب و افراطیون اسلام گرا مبدل خواهد شد؟

**آقا خان:** تمنا می‌کنم که لطفاً مفهوم برخورد دینی را کنار بگذارید. چنین چیزی دیگر وجود ندارد. هیچ فردی مرا هرگز قانع نخواهد ساخت که در عصر ما دین اسلام، مسیحیت، و یهودیت با یکدیگر جنگ خواهند داشت. آنها مشترکات زیادی با هم دارند. از اینروست که من در باره اخلاق جهانی که همه ما را متحد می‌سازد، صحبت می‌نمایم. روی همین دلیل است که ما تلاش داریم که در برنامه‌های کلیسای کاتولیک پرتگال که هدف اش کمک به اقلیت‌های مهاجر است، کار بکنیم. من از احساس عدم نارضایتی اکثریت جوانان مسلمان نسبت به جامعه آگاهم، چون فکر می‌کنند که جامعه غرب قصد دارد آنها را به حاشیه براند و یا به آنها صدمه برساند.

<sup>4</sup> Jomo Kenyatta

<sup>5</sup> Mau Mau

شورش مائو مائو به انگلیسی (Mau Mau Uprising): همچنین مشهور به حرکت مائو مائو، شورش مسلحانه با هدف اولیه حق دست‌یابی به زمین‌های کشاورزی برای اکثریت سیاه‌پوست کنیا بود که نهایتاً به استقلال کنیا از استعمار امپراتوری بریتانیا انجامید. شورش مائو مائو از سال 1952 تا 1960 ادامه داشت در طول شورش مائو مائو، بیش از 12 هزار نفر کشته و چندین هزار کنیایی روانه بازداشت‌گاه‌های حکومت دست‌نشانده بریتانیا شدند. کنیا در تاریخ 12 دسامبر 1963 میلادی، رسماً از امپراتوری بریتانیا استقلال یافت. (بر گرفته از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد آنلاین) – مترجم.

<sup>6</sup> ANC = African National Congress.

کنگره ملی افریقایی یک حزب حاکم در افریقای جنوبی است که از زمان مرحله گذار دیموکراسی، از اپریل 1994 به این طرف، بر سر قدرت قرار دارد.



**شپیگل:** دولت آلمان کنفرانسی را با گروه ها و شخصیت های مختلف اسلامی که در آلمان زندگی می کنند، راه اندازی کرده است. به نظر شما چنین مجمعی مفید واقع می شود و یا این فقط یک صحنه آرایی (برنامه ی نمایشی) است؟

**آقا خان:** ما، با برگزاری ی چنین یک مجمع می توانیم از سوء تفاهات جلوگیری کنیم، که در آنجا مردم از ادیان و عقاید مختلف با هم مشورت می کنند تا در نتیجه آن، آنچه که آنها را متأثر می سازد، در می یابند. همین که شما تخطی کردید، در مورد جبران کردن آن، آنچه که انجام داده می توانید تلاش ورزید. طور مثال، کسی که با دین اسلام آشنایی داشته باشد، او خواهد دانست که کاریکاتور های<sup>7</sup> پیامر [اسلام] برای همه مسلمانان عمیقاً زنده بودند.

**شپیگل:** باز هم، این قضیه بطور کل توسط اسلام گرایان تند رو، سوء استفاده شد. آنها بخاطر تحریک احساسات توده مسلمانان، به کاریکاتور ها چیز های زنده تری را اضافه نمودند، که از کاریکاتور های اصلی زنده تر بودند.

**آقا خان:** اما برای من گفته میشود که میان سر دبیران آن مجله، بحث داخلی وجود داشته است، و آنها در واقع میدانستند که در حال اجرای چه کاری هستند. آنها ریسکی (خطر) را پذیرفتند و کسی باید برای آنها می گفت که چرا به آن وضعیت وارد می شوند؟ اکنون ما در باره مدنیّت حرف میزنیم که آن مفهوم کاملاً متفاوت است. اگر ما راجع به مدنیّت در یک جامعه کثرت گرا حرف میزنیم، پس چطور آن تصوّر مدنیّت را انکشاف می دهید، بویژه در جایی که جهالت وجود داشته باشد. و آن چیزی است که قابل نگرانی است. و از اینروست وقتی که می بینیم این قسم شرایط دوام می یابد، بی نهایت مأیوس می شوم. زیرا که من قلباً باور نمی کنم که همه اینها از سوء نیت الهام می گیرند.

**شپیگل:** [در باره کاریکاتور ها] تحریک کننده، اندوه بار، و ناخوشایند. اما، آزادی مطبوعات یکی از ارزش های والا در دیموکراسی ی ماست. ما ناچاریم که توازن یک چیز را در برابر چیز دیگر حفظ کنیم و ما برای افراد غیر مذهبی هم اجازه میدهیم که حتی نظریات زنده تری را ابراز بدارند.

**آقا خان:** فکر می کنم که شما در باره یکی از دشوار ترین معضلاتی که ما فعلاً داریم، اشاره کردید و من جواب آنرا نمی دانم. غرب صنعتی شده فوق العاده سکولاری است؛ جهان اسلام کمتر از غرب سکولار است و این عمدتاً از ماهیت دین اسلام سرچشمه می گیرد که آنرا شما میدانید و [هم] من میدانم که با زندگی روز مره، یک در هم تنیدگی ی فطری دارد. و آن سناریویی است که در آنجا مردمان دارنده نیت نیک، نیاز دارند تا با بسیار دقت فکر کنند.

**شپیگل:** در بعضی از سخنرانی های تان، کمال آتا تُرک را در زمینه مثبت ذکر کردید. ترکیه راه او را دنبال کرد، و یکی از معدود کشور هایی است که جمعیت غالب آن مسلمان است، و در آنجا بین دین و دولت تمایز وجود دارد. آیا شما مایل اید، ببینید که دیگران هم عین مسیر را بپیمایند؟

<sup>7</sup> تصویر های مضحک و اغراق آمیز

**آقا خان:** من به این گونه سکولاریزم (نظام غیر مذهبی) مخالف نیستم. ولی من مخالف سکولاریزم یک طرفه هستم که در آن مفاهیم و عقاید دین و اصول اخلاق از [میان] جامعه رخت برمی بندند.

**شیپگل:** والا حضرت، ما بخاطر این مصاحبه از شما سپاسگزاریم.

**منابع و مأخذ:** [مجله بین المللی آنلاین شیپگل](#)